



تجار، در تعامل سیاسی و اجتماعی پس از جنبش مشروطیت

پدیدآورده (ها) : ترابی فارسانی، سهیلا

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: بهار و تابستان 1381 - شماره 45 و 46
از 111 تا 123

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92371>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

تاریخ دانلود : 16/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

تجّار، در تعامل سیاسی و اجتماعی پس از جنبش مشروطیت

دکتر سهیلا ترابی فارسانی

مرکزی، کاملاً مرتبط بوده و در تغییرات صاحب مقامهای سیاسی در بوشهر و فارس، نقش داشته است. (۸)

تجّار، گاه با حکام محلی، درگیر می شدند و طبیعتاً در صورت دست نیافتن به سازش، دو وزنه قدرت، نمی توانستند یکدیگر را تحمل کنند. معمولاً سخت گیریهای مالیاتی و دیگر اختلاف نظر ها، موجب بر خورد می شد. از این نمونه، درگیری معین التجار با نایب الحکومه صیغاب راه می توان نام برد (۹) و نیز، شکایت تجّار بیرجند از اجحافهای حکومت ارفع المالک در دزدآب، که به انفصال وی از خدمت منجر شد. (۱۰)

تجّار، برای پیشبرد اهداف خود، بجز دوران اوایل مشروطیت، که به طور مستقیم در امور سیاسی مداخله می کردند، پس از فاصله گرفتن از قدرت نیز، نفوذ غیر مستقیم خود را حفظ کردند. آنان، بجز برای پیشبرد اهداف خود، رشوه می پرداختند و افرادی هم در بین سید تملداران بودند که از منافع آنان حمایت می کردند. تجّار، دو موردی به عنوان نمونه، بحلی دفاع می کردند و بعضاً خواهان دوام حاکمیت آنان بودند. به طور مثال، حمایت تجّار اصفهان، از حکومت سردار ظفر، که توانسته بود امنیت و آسایش اهالی را فراهم نماید، از این نمونه است. (۱۱)

ابراز توافق یا مخالفت با هیئت دولت، از کارهای دیگری بود که تجّار به آن می پرداختند. هر چند در آن سالها، تشکلهای متسجم و منظمی در بین تجّار وجود نداشت، ولی تلگرافهایی، خطاب عموم تجّار صادر می شد. در سالهایی که محمدعلی شاه، تلاش می کرد مجدداً قدرت را به دست گیرد و دولت روسیه، با از دست دادن شاه، کفایت قدرت سیاسی خود را خالی یافته بود و نیابت سلطنت و دولت‌های بختیارها و زمینداران، روزه سوی انگلستان داشتند و روسیه، می کوشید که به هم خوردن تعادل راه، از طریق عمال خود تغییر دهد. سعدالدوله، با اعمال سیاست روسیه، سعی می کرد با انتشار تلگرافهای جعلی به

از آنجائی که نهادهای نظام جدید مشروطیت، توانست در روابط حاکم بر جامعه، بدرستی استقرار یابد و شکل روابط اجتماعی، به شکل گذشته باز تولید شده (۱) تجّار، برای ادامه فعالیت‌های تجاری خود، مجبور به رعایت همان روابط پیشین بودند. تجّار، به عنوان گروه مورد احترام حکام سیاسی و مردم، همچنان شاهن اجتماع خود را حفظ کردند. دعوت از تجّار بزرگ و معتبر در مراسم رسمی، از این نمونه بود. به طور مثال، دعوت از شیخ احمد تاجر گله داری در مراسم اعطای نشان جرج پنجم به شجاع نظام، در کنسولگری انگلیس در بوشهر (۲) شرکت تجّار، در مراسم جشن تاجگذاری محمدعلی شاه (۳) و استفاده از میانجیگری تجّار، به عنوان افرادی معتمد برای رفع بعضی اختلافهای سیاسی (۴)، حاکی از اهمیت و احترامی بود که برای این گروه قائل بودند.

مردم، تجّار راه واسطه ارتباط با مقامهای سیاسی می کردند. از این نمونه، می توان شکایت مردم را از برخی اعمال ستمگرانه و اجحاف مالیاتی حکامی نام برد که در این خصوص، نامه‌هایی به معین التجار نوشته شد. (۵) تجّار، برای اعمال نفوذ و حفظ موقعیت خود، مجبور بودند دو دسته بندیهای سیاسی وارد شوند. آنان، بناچار می بایست سیاسی می شدند. چون اقتصاد و تجارت، به سیاست آمیخته بود. تاجری که فقط به معامله و رسیدگی به حسابها و صیغور بروات می اندیشید، نمی توانست موفق شود. اخبار منتشر شده و نظر به های اولیای دولت و شناسائی باندهای قدرت، از ضروریات فعالیت تجّار بود. برای مثال، حمایت یا توجیه برخی از وزرا از معین التجار بوشهری (۶)، شکایت معین التجار از علاءالدوله، حاکم فارس و نامه‌های عین الدوله و مشیرالدوله، وزیر تجارت در حمایت از معین التجار، حاکی از لزوم برقراری رابطه بین تجّار و قدرتمندان بود. (۷) معین التجار، علاقاتی با مشیرالدوله و مخبرالدوله کرد و موافقتی، در خصوص عزل حاکم بوشهر به دست آمد. در نامه‌ای که محمدعلی نامی نوشته، مشخص است که معین التجار، با عناصر حکومت

نام تجار و علما، در مقابله با ناصرالملک و عین الدوله، کابینه تشکیل دهد. (۲۶) افکار عمومی، سعدالدوله را وابسته به روسیه و هدف او را، بازگرداندن شاه می دانست. مذاکراتی بین تجار تبریز با علما و تجار تهران، از طریق تنگرفخانه صورت گرفت. در بین مذاکره کنندگان، معین التجار بوشهری، حاجی ابراهیم قاسمی، سید مرتضی و حاجی باقر صراف و از تجار تبریز، می توان ملک التجار، کوزه کنانی و صدقیانی را نام برد. (۲۷) از تجار بزرگ تهران، امین الضرب و معین التجار، به آذربایجانها گوشه کردند که هر چند شرایط کشور و رضایتش نمی باشد ولی افراد، در صدد اصلاح کابینه و بهبود شرایط هستند و باید بادش و بنگر و تخمق بیشتری، به امور پرداخت. نکته جالب در این واقعیت که مدتی بعد در تلگرافهای بعدی، جعلی اعلام شد (۲۸). این بود که تجار بزرگ، در سالهای قبل از جنگ جهانی، بتدریج خود را در جریانهای سیاسی خود می یافتند و حضور نسبی پیدا می کردند؛ با اینکه ناراضیاتی خود را از شرایط موجود اعلام می کنند، ولی به تلاشهای خیر خواهانه و شرایط و محدودیات کشور، واقف بودند و خواهان حرکت آگاهانه و دقیق بودند و حتی تذکر می دادند که ملت ایران، در این چند ساله نه هر وسیله متوسل گشته یا از راهی بختی یا از راه جهل و نادانی، گرفتار نتایج وخیمه شده، طریق نجات را از کف داده. (۲۹) همین امر، ایمان آنان را به مشروطیت و تلاش برای ماندگاری آن، به رغم تمام مشکلات، نشان می دهد. تجار، حتی در شرایط بحرانی، برای نجات دولت مشروطه، حاضر به قرض دادن به دولت شدند و در پاسخ به تقاضای دولت برای استقراض ملی، هیئت تجار درجه اول، که در مجلس تجارته بوشهر، مونس و عضو بودند، تقاضای تشکیل دادند. حاج منبغ محمد رضا، تاجر کازرونی و حاج عبدالرسول، رئیس التجار و حاج محمدباقر بهبهانی، در این امر تلاش بسیار کردند. در این نشست، مبلغ چهل هزار تومان برای پاسخ به استقراض دولت، تهیه شد و قول جمع آوری شصت هزار تومان دیگر نیز، پس از وصول قانون نامه استقراض، از سوی دوائر مرکزی داده شد. (۳۰)

مبادلات مالی تجار با سران دولت نیز، همچنان به وجود داشت. حواله های پولی سرداران رفیع به حاجی سلطان علی صاحب، تاجر شوشتری از تجار ایرانی، در هند (۳۱) و پرداخت حقوق میرزا محمدعلی خان مستوفی الدوله توسط معین التجار، از این نمونه بود. (۳۲) حکومت نیز، سعی داشت حتی الامکان اعتراض و شکایتی از سوی تجار مطرح نگردد و در حمایت آنان را جلب می کرد، چون گروه صاحب نفوذ و قدرتمندی بودند و معمولاً به شکایتهای آنها، تریب اثر داده می شد. سعدالدوله، وزیر تجارت اوایل مشروطیت، حکم ریاست تجار همدان را صادر کرد و در نامه خود تاءکید نمود که باید طوری باشد که تجار، شکایت نکنند و راضی باشند. (۳۳)

اعتراضها و شکایتهای تجار در این دوران، چندین وجه داشت. شکایت از عملکرد سیاسی حکام و اعتراضهای مالیاتی که در سرتاسر این دوران وجود داشت. در هر حال، تجار، برای پرداخت مالیات املاک خود و اجاره ها و امتیازهایی که از دولت می گرفتند، با وزارت مالیه درگیر بودند. دولت، از اعتراضهای دسته جمعی تجار، که عمدتاً با حمایت و پیروی اصناف از آنها، به

جریانی عمومی و بسته شدن بازار منجر می شد. هراس داشت. در سال ۱۳۳۱ ۱۹۱۳. اعتراض تجار خراسان، به مالیات جدیدی که پیشکار مالیه خراسان اعمال کرده بود، ماجرای عظیمی ایجاد کرد و به دنبال آن، واکنش تجار و اصناف مناطق مختلف خراسان، آغاز شد. تجار و اصناف تون، از توابع طیس، طی نامه ای به وزارت مالیه، به شرح وضعیت داد و ستد در آن منطقه پرداختند و پرداخت چنین مالیاتی را، در توان خود ندانستند. (۳۴) تجار خراسان، مالیات جدید را، با وجود همه خسارتهائی که در آن سالها به دلیل ناامنی ایجاد شده بود و شرایط نامساعدی که به ورشکستگی تجار انجامیده بود، اجحافی مضاعف بر خود دانستند (۳۵) و در اعتراض به شرایط جدید، بازار هاسته شد. در روز بعد از تعطیل تجار، اصناف هم از هر طبقه، دکاکین را بسته، از تجار تبعیت کرده، در مسجد جامع اجتماع نمودند. حتی میرزا حسین مجتهد هم، نتوانست تجار را وادار به باز کردن دکانهایشان کند. طی گزارشی که کارگزاری وزارت امور خارجه، از وضعیت سبزوار به تهران مخابره کرد، اداره مالیه سبزوار، از اولگ جمادی الثانی ۱۳۳۱، از اصناف طلب تعرفه کرده و تا پانزدهم ماه، از آنها تعرفه گرفته است. هنگامی که خواسته انداز تجار تعرفه بگیرند، آنان، جواب داده اند که ما، تابع مرکز هستیم. هر وقت در تهران یا مشهد، تجار تعرفه دادند، ما هم، اطاعت داریم. در نیس مالیه سبزوار، سعی کرده با قوه فهریه، از تجار تعرفه بگیرد، آنها هم، حجره ها و کاروانسرای خود را بسته، به بیعت وزرا تلگراف کرده اند و به دنبال آن، اصناف نیز، از آنان تبعیت کرده، در مسجد جامع جمع شده اند. (۳۶)

تجار، به دنبال قانونی همه گیر، بکسان و منظم بودند. این رو، اعتراضها، گسترش می یافت. تجار مرنده، از وزارت تجارت، پرسش کردند که آیا حکم صادر شده، در تمام نقاط ایران و از طرف دولت بوده؟ قانونی است یا صرفاً منطقه ای می باشد؟ هیئت تجار مشهد نیز، به وزارت تجارت تلگراف کردند. (۳۷) تلگرافهایی به وزارت داخله و مالیه مخابره شد. (۳۸) صنایع بلور فروش مشهد، طی تلگرافی به وزارت داخله و مالیه، با تصویب نکردن چنین قانونی تأکید کرد. (۳۹) تجار و کسبه سیستان، در اعتراض به مالیات و وضع شده، در کسولگری انگلیس متحصن شدند. وزارت خارجه، به مالیه توجه کرد، با مالیات معمول را بگیرد یا از روی داری و عدالت، بر عایدات مالیات ببندد. (۴۰) طی تلگراف رمزی، از وزارت داخله خواسته شد تا پیش از گسترش اعتراض و تحصن بازارها و جلوگیری از خسارت بیشتر، هر چه در امر تأیید و اخنامه دهد. (۴۱) برای پایان دادن به آن وضعیت، وزارت مالیه، با همکاری مالیه خراسان نوشت: که اخذ مالیات بدون تصویب مجلس، غیر قانونی است و باید متوقف گردد. (۴۲)

از چگونگی بیان یکی از اعتراضهای منطقه ای تجار، در جلسه مجلس، می توان مشروطیت، به نکاتی می توان دست یافت که در فهم عملکرد این مجلس، قابل توجه است. از متن نامه های مربوط به آن مأموریتها، نکاتی در دسترس می شود. (۴۳)

۱. توجه و تأکید تجار به قانون و لزوم استقرار و اهمیت آن در امور
۲. اهمیت همسانی و همه گیر بودن قانون و رفع تبعیضاتی که در دوران

استلاده، بر اساس سلیقه ها و روابط، متداول بود.

۳. فهم روابط بین تجار و اصناف و تابعیت اصناف از تصمیمهای تجار و اینکه خطه هنده اصلی در حرکت های عمومی، در بیشتر موارد تجار بودند. آنها آگاهتر و مدعی تر بودند و از اقتدار بیشتری هم برخوردار بودند و همواره اصناف، ذلیل و رنجور بودند.

۴. اختلاف نظر علماء و تجار به رغم نزدیکی هیشگی، به گونه ای که در مواردی تجار، به توصیه های علماء، عمل نمی کردند.

۵. نگرانی دولت، از آشفتگی و ناراضی های عمومی بخصوص بازاریها و تلاش برای حل آن.

۶. به دلیل کم اقتداری نهادهای نظام نوین، تجار و همچنان از همان کاورهای سنتی، مثل تحصن در سفارتخانه های خارجی، برای اعتراض های خود بهره می جستند.

۷. در سایر مسائل اساسی تجار، رابطه امور تجاری و امنیت راهها بود. آنان از هویت انتظار داشتند در این امر کوشا باشد. تجار فزاین، به وضعیت امنیتی شهر اعتراض کردند؛ آنان، می گفتند در ابتدا گمان می کردیم راهها پر از دزد و راهزنی بوده است، ولی دیگر در شهر نیز امنیت نیست و اینکه مالیات غیر مستقیم را قبول کنیم به همین منظور گرفته است. آنان، طی نامه ای، از وزارت داخله، خواستند تسریع در پرداخت حقوق افراد نظمییه شدند و آن راه امنیت اطمینان قلبی و اهالی دانستند در مواردی هم که دولت، قادر به حفظ امنیت نبود، تجار خود را به این امر مبادرت می کردند.

۸. در مسنی، در پیش از مشروطیت به معین التجار واگذار گردید و او، مسئول مالیات و حفظ امنیت این منطقه بود. اهالی مسنی، از ترک تازیهای ایلات و خصومات ترکها و از تجاوز کشتکولها و باجگرهای آنها، به معین التجار شکایت می کردند (۳۰). معین التجار، صاحبان ثروت و زمیندار بزرگ منطقه محسوب می شد و در مناطق سران و مشایخ جنوبی باسران دولت بود. میزان مالیات دولتی مشایخ قسم را تعیین می کرد (۳۱) و در خصوص تعیین حقوق و مواجبات سران و نادر و حفظ امنیت منطقه تلاش می کرد (۳۲). در سال ۱۲۰۷ قمری معین قسم، از ظلم شیوخ منطقه، به آستانه رسید (۳۳) و بسیاری قدرتهای محلی، از طاعن منطقه با شیوخ و بزرگان، نفوذ داشت که با نامه هایی به حکومت ارسال می شدند و معین التجار و نفوذش در امور سیاسی منطقه شکایت می شد (۳۴). معین قسم، از طرف دولت که حوادث محلی را در نظر می گرفت، از او خواست که در مناطقی که در منطقه بود، در میان مردم و شیوخ، صلح برقرار کند و در سال ۱۲۰۸ قمری، معین قسم، در جزیره خارک، مسیری را بین مناطق، بین سران و شیوخ، ایجاد کرد و کل بناچار، صلح حسن انجام داد و ناظم التجار، تقسیم

۹. در مناطقی که مکتوبات معین التجار، قول هلد مالیات دو ساله بنی طرف و خود را برهند، چون در بعضی مناطق آن سالها باران بود و بار دوشمی و نبودن نظامی تجار، صلح محلی، تا میزان شش هزار تومان، قول گرفتن

مالیات و اداد و از معین التجار خواست، به جای ارسال نیروی نظامی، گرفتن مالیات را به او واگذارد. (۳۷)

منافع معین التجار، که تاجر، مالکی صاحب نفوذ در مناطق جنوبی بود. ایجاب می کرد در منطقه تلاش کند. حفظ امنیت و وصول مالیات، مواردی بود که وی، فعلاً نه در آن شرکت می کرد و ناجانی که امکان داشت، از افرادی در محل می خواست، شرارتهای یاغیان را، در تعذی به افراد بومی سرکوب کنند تا محتاج کمک ایالت نشوند. (۳۸)

در سالهای قبل از مشروطیت، نامینها، با استفاده از نیروهای محلی، حل و فصل می شد. نفوذ معین التجار در دسته بندیهای سیاسی و اعمال نفوذ در دستگاه دولتی، به این امر کمک می کرد. مکاتباتی که بین علماء الدوله و عین الدوله، در مورد معین التجار صورت گرفت، حاکی از همین قدرت و نفوذ بود. (۳۹) در سالهای پس از مشروطیت، وی، برای حفظ امنیت و وصول مالیات اعلاکش در مسنی، مجبور به اعزام نیرو به منطقه شد. رهبری اعزام نیرو به منطقه را، برای تثبیت مالکیت و حفظ امنیت و وصول مالیات، خود معین التجار به عهده گرفت. معین التجار، در هماهنگی با وزارت داخله، چگونگی پرداخت هزینه اعزام فنگچی به مسنی و استفاده از سواران قشقایی را، تعیین کرد (۴۰) وی، حقوق ماموران مسنی و صدنفر فنگچی کازرونی و سپاران قشقایی را، که در کنار آن اردو، به مسنی اعزام می شدند، تقبل کرد. قبول چنین هزینه ای، برای تسریع در اعزام نیروهای نظامی به منطقه بود (۴۱) وزارت جنگ و دولت نیز، تمام تلاش خود را برای رفع نگرانی و همکاری معین التجار، انجام داد. (۴۲) پس از اعزام نیرو و تفویض بر اشرار، اهالی منطقه به معین التجار خواستند به دلیل ناامنی و حمله های مکرر ترکها به منطقه، در گرفتن سهم مالکانه از آنان، تخفیف دهد و قراردادی برای کاهش سهم مالکانه، بین آنان منعقد گردید. (۴۳)

تجار و مسائل فرهنگی - اجتماعی

الف. پیش از مشروطیت

۱. مهم ترین امری که تجار، در مشروطیت نیز، به آن توجه داشتند، کمک و مشارکت هو اسر و بزرگان محلی بود. معینها، متفکران و متولیان محلی، همیشه در پی برقراری درشته سازان بودند. اینکه آیا امکان تجار حقه توسط بزرگان محلی، وجود داشت، از اهمیت خاصی برخوردار است. اما در این مهم، بزرگان محلی، نقش کمتری می کند. تجار، توسعه مالیات را، با ایجاد بزرگان محلی، مستلزم است. آنان، ترقی خواهانی بودند که در پی برقراری نهادی بود و در دولت، آنان، می خواستند به تمدن غرب نزدیک گردند. ترقی می خواستند آنان، مستعد، منابع قبیله ای در برابر غرب می شد. تجار، فهم صحیحی از تمدن غربی نداشتند. آنان، به معنی مدرن و ترقی درسی جدید همچون انگلیس، شیوخ را در مخالفت و در پی سرکوب معین دانش پژوهان می گذاردند و رستی و لغت می کردند. معینها، با استفاده از فرهنگ و باسواد شدن عمومی، می توانند به رشد و پیشرفت جامعه کمک کنند. گاه حمایت های تجار از تأسیس مدارس، رنگ آدینی می گرفت و در پی با روحانیان معارف خواه در تأسیس مدارس، بالا بردن آگاهی از طریق تعلیمات

اقامتش در بوشهر (۶۱) به منزله معارف پروری تجار بزرگ قلمداد می شد آقا سید آقا تاجر اصفهانی مقیم استانبول، در توزیع روزنامه ارشاد که محسنات مشروطه و مضار استبداده را می نوشت، دخالت داشت. (۶۲)

این همکاری، از حد حمایت‌های مالی فراتر رفت و حتی تجار ترفیخواه، به تشکلهای فرهنگی راه یافتند. در سال ۱۳۲۷ ق.، هیئتی به نام «جمعیت نشر معارف آذربایجان» تشکیل شد و هدف خود را، توسعه دایره معارف و نشر و تعمیم علوم و تاسیس مدرسه و کتابخانه، تألیف و ترجمه کتاب کودکان و انتشار جراید و روزنامه‌های داخلی و خارجی، قرار داد و آن را موجب اتویر افکار و تزکیه اخلاق دانستند. تجار آذربایجانی، از جمله معتمدالتجار و حاج محمدعلی آقابادامچی در کنار مساوات و تمیزاده در این گروه حضور داشتند. (۶۳) تجار، حتی به این فکر افتادند که برای انجمن تجارت، روزنامه خصوصی تاسیس کنند و با انتشار مقاله‌های تجارتمی، جریان امور تجاری را قائلتر کنند. (۶۴)

روزنامه حبل‌المتین، که در کلکته منتشر می شد، رابطه نزدیکی با تجار ایرانی مقیم هند داشت؛ همچنین، با تجاری که به این منطقه رفت و آمد داشتند. (۶۵) این روزنامه‌ها، از کمک‌های مالی تجار بهره‌مند می شد، و وکالت آن را در برخی شهرها تجار به عهده داشتند. از جمله محمدحسین صاحب تاجر دهلشتی و کبیل حبل‌المتین در بوشهر بود. (۶۶) از تجاری که با روزنامه همکاری داشتند، حاجی میرزا هاشم آقا تاجر اصفهانی، محمدحسین آقا تاجر کاشانی، آقامیرزا محمدجواد آقا تاجر افشار و خداینده رستم تاجر ایرانی و وکیل تجارخانه جمشیدیان بودند. (۶۷)

ج- مواردی از فعالیت‌های اجتماعی تجار

شرکت تجار، در تشکلهای صرفاً سیاسی، بیشتر جنبه فردی داشت و خصیصه کلی این طبقه نبود. به طور مثال، یکی از نامزدهای حزب دموکرات، امین‌التجار بود. (۶۸) پس از اعلام او، اعتماد و روس، که کمیته دموکرات اصفهان، تصمصیم به اعزام یک عده مجاهد اصفهانی به تبریز، جهت دفاع حبل‌المتین، امین‌التجار، برای این امر داوطلب شد. (۶۹) البته در کمیته دفاع ملی تبریز، باقی‌مانده معارضان روسیه تشکیل شد. تجار نقش فعالی نداشتند و در بین اسامی، فقط حاج احمد تاجر تبریزی، آقا حاج حسن تاجر تبریزی، سید احمد ترک تاجر طورقروش، آقا سید مهدی ذوقانی تاجر بلخ و آقامیرزا محمدجواد تاجر کاشانی وجود داشتند. (۷۰) که در هند نالای از دلاطلبان تشکیل شد. همین امر، نشان می دهد که تجار، به دلیل پدیرش اولیادان و اولاد خود، حضور نداشتند. در فعالیت‌های صرفاً سیاسی، در این زمان فعال نبودند. در جمعیت‌هایی که دارای ایجاد اجتماعی، اقتصادی بود، بیشتر حضور می یافتند. بزرگی مثال، حاج اطفعلی تاجر میرزا آقا جان تاجر و علی اصغر تاجر از مؤسسان جمعیت ترفیخواهان ایران بودند که از اهداف این جمعیت، حفظ قوانین مشروطیت، امنیت مالی و جانی، نشر علوم و معارف و توسعه تجارت و رواج کالاهای داخلی، امنیت راه‌ها، ترقی و رفاهت ایجاد کارخانه و به کار انداختن

معادن راه معرفی کرده بودند. (۷۱)

از موارد دیگری که می توان به آن اشاره کرد، نقش دو گانه تجار، در مسئله نان بود. از یک سو تجاری بودند که برای اصلاح عمل نان، با دولت همکاری می کردند و به صورت شراکت، بخت نان خوب و فراوان را در تهران تقبل می کردند. (۷۲) از سوی دیگر، مواردی از شورش مردم، بر ضد برخی تجار وجود داشت که آنان را، سبب گرانی و کمبود ارزاق و نان و از عوامل احتکار، قلمداد می کردند. از این نمونه، می توان طبیبان و حمله مردم خراسان را به منزل معاون‌التجار ذکر کرد. مردم، او را عامل گرانی دانستند و لزوم حمله به خانه و انبار وی، مطرح شد. طلاب نزد علمای قزاقند تا آنها را به جمع خود در آورند. ولی آنها، همراه نشدند. گروهی از طلاب و اصناف به سمت خانه معاون‌التجار حرکت کردند. وی، که حکم ایالت خراسان را گرفته بود، به تدارک نیروی نظامی پرداخت و از سواران شامسون و کاکویه، کمک گرفت و درگیری نظامی با مردم، غائله عظیمی در خراسان ایجاد کرد. (۷۳)

گرفتن مناصب دولتی در بین تجار، چندان متداول نبود. موارد اندکی آن، بیشتر جنبه فردی داشت. به طور مثال، سپردن حکم ایالت خراسان به معاون‌التجار و انتخاب ناصرالتجار، برای تصدی امر بلدیة محموره بود. (۷۴) از این گونه موارد قلیل، فقط در مشخصه فردی تجار، می توان سراغ گرفت؛ ولی روالی کلی، در این طبقه نبود.

پی نوشتها:

۱- این مقاله، مبتنی بر اسناد موجود در سازمان اسناد ملی است. با علامت اختصاری (س) و شماره مرکز اسناد پدید مستضعفان، با علامت اختصاری (ک) تنظیم شده است. ۲- در تمامه شجاع نظام از شیخ احمد تاجر گدهان، بیست و یک صفحه حکومت بندر عباس و مضامین، ۱-۱۳۳۰ ق. (م. ا. ب.) ۳- فعالیت‌های تجار، در تشکلهای اجتماعی، محمدعلی آقابادامچی، زین‌العابدین آقا، معاون‌التجار، حاج میرزا محمدباقر حاجی، تاجر گنجوی، که کاروانسرای خود را در راه طبرستان و کابل اوقاف است (تجدید فکری، سال ۱۳۲۶، ص ۲۵۸-۲۵۹، مارس ۱۳۱۷، ش. ۳، ص ۱۱۱) ۴- تقاضای چند نفر و کالی، دفتر شیخ محمدباقر مستوفی، مستوفی و معین‌التجار، برای ملاقات با سید محمدباقر و ملاقاتی و ملازمتی آنها از دست‌مندی‌های مجلس بود (در تالیفات و نشریات، سال اول، ص ۱۱۱) ۵- در تالیفات و نشریات، سال اول، ص ۱۱۱ ۶- در تالیفات و نشریات، سال اول، ص ۱۱۱ ۷- در تالیفات و نشریات، سال اول، ص ۱۱۱ ۸- در تالیفات و نشریات، سال اول، ص ۱۱۱ ۹- در تالیفات و نشریات، سال اول، ص ۱۱۱ ۱۰- اسناد قلمی که تصمصیم در آغوش نوشته است، (س) ۱۱- آنگاه که شکایت شد، حکم در دادگاه به مشرف الدوله رئیس وزارت کشور، ۱۳۲۲/۱۳۲۳ (م. ا. ب.) ۱۲- برخی تجار اصفهان، که از حاکمیت سردار خراسان، محمدحسین تاجر، میرزا هاشم آقا جان تاجر، میرزا هاشم آقا جان تاجر، سید حسن شکندار، حاج محمود شکندار، حاج محمدحسن قزوینی و تاجر کاشانی، شکایت عموم تجار اصفهان، به رئیس الوزراء، ۱۳۳۰، به وزارت کشور، ۱۳۲۹/۱۳۳۰ (م. ا. ب.)



وزارت اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
موسسه اسناد و کتابخانه ملی
تهران

کتابخانه اسناد و کتابخانه ملی
تاریخ ۲-۲-۳۹
شماره ۴۹۴۸

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
IRAN NATIONAL ARCHIVES
و کتابخانه ملی
اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
تهران



۹۹
مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

قلم سید محمد
 موقوفه
 بنام
 به فرس کتبی

وزارت مالیه
 اداره ثبت

تاریخ
 شماره

تاریخ ۱۳۲۳

به نام سید محمد
 موقوفه
 بنام
 به فرس کتبی

NATIONAL ARCHIVES

۱۸

